اسلام و همکاری های

منطقه ای و بین المللی

محمدعلی تسخیری

به نام خداوند بخشنده مهربان

سخن از تعاون و همیاری در اسلام، به دلیل روشنی فراخون اسلام به آن و متون اسلامی فراوانی که بر آن انگشت گذارده اند و می توان تعاون را ویژگی برجسته جامعه اسلامی برشمرد، چندان ضروری به نظر نمی رسد ولی بیان منطقه ای و بین المللی این مفهوم، نکته ای است که سزاوار تأمل و بحث و بررسی است.

برای اینکه تعاون و همیاری، به شکل مفید و سازنده ای تحقق پیدا کند باید شرایط عینی چندی در آن فراهم آید و انگیزه های انسانی متنوعی را در برگیرد و موانعی که بر سر راه آن قرار دارد از میان برداشته شود و از آنجا، عرصه هایی که تعاون در آنها مؤثر است شناسایی گردد و برنامه ریزی های دقیق و خردمندانه ای برای تحقق هرچه گسترده تر آن، صورت پذیرد.

شرایط ضروری:

شرایط عینی مورد نظر از این قرارند:

نخست: برخورداری از توانایی های کافی; زیرا همکاری ناتوان با توانا و یا نیازمند با ثروتمند مثلا در راه اندازی یك پروژه معین مالی، معنایی ندارد لذا امتی که خواهان مشارکت در روند تمدن بشری است باید خود دارای امکانات و توانایی های معیّنی باشد.

دوم: وجود فضای اعتماد متقابل چرا که همکاری و همیاری، برخاسته از انگیزه های انسانی و برپایه پیوندهای عاطفی به منظور تحقق هدفی مشترك است که مسلماً در جوّ شكّ و تردید و دروغ و ریا و نیرنگ، فراهم شدنی نیست.

سوم: وجود عرصه ها و اهداف مشترك، بدون این جنبه، هیچ نوع همکاری و تعاونی قابل تصور نیست; ما برآنیم که این شرطهای سه گانه برای انجام و تحقق هرگونه همکاری و همیاری، کاملا ضروری است.

ارزش های هماهنگ:

منظور، آندسته ارزش هایی است که باید برای سوق هر جامعه کوچك یا بزرگ به سوی همکاری و همیاری مشترك، عمومیت پیدا کنند. در این زمینه می توان به موارد زیر، اشاره کرد:

۱ ـ *ضرورت گفتگو با دیگران:* انتقال اندیشه آنها و شناخت اندیشه های آنان; خداوند متعال آنچنان توان و نیروهایی در انسان بودیعه نهاده که می تواند با تأمل و اندیشه و آفرینش اندیشه های نو و کشف راههای دگرگونی و رهایی از واقعیت های ملموس و تنگ، و تجرّد و کوشش برای تعمیم و فرضیه پردازی و از این گونه دستاوردهای عقل خلاق با یاری گرفتن از نیروی خرد و خردورزی، در مسیر این روند قرار گیرد. همچنانکه انسان، دارای انگیزه های غریزی چندی است که او را به کنجکاوی در ندانسته ها و شناخت مسایل پیچیده فرامی خواند و در عین حال به بهبود و اعتلای نیروهای عقلی و توان های مادی و علمی برای چیرگی بر طبیعت و نیز قدرتهای اخلاقی و معنوی، سمت و سو می دهد و در نتیجه خداوند متعال به او امکان و توانایی پل زدن به عقل و خرد و اندیشه دیگران و برای شناخت آنچه می اندیشند و گفتگو با آنها از طریق نعمت سمبلیك زبان، می بخشاید.

بنابراین، گفتگو یك حالت انسانی طبیعی است و تأکید بر آن نیز یك خصوصیت انسانی بشمار می رود; تردیدی نیست که گفتگو منجر به کشف عرصه های مشترك می شود و چنین کشفی، به همکاری و همیاری در راستای تحقق آنها، می انجامد.

۲- *مفهوم شوری:* که طبیعتاً هم ردیف با گفتگوست بدین معنا که در این روند، دیدگاههای دیگران به دیدگاه شخصی می پیوندد و نقاط ضعف و قوت آنها، روشن می شود.

۳- *احساس نیاز به دیگران:* وقتی فرد، خود و کاستی های درونی و محدودیت توان و دانش خود و نیازش به دیگران را شناخت به آنان روی می آورد و به منظور رسیدن به خودبسندگی، راه همکاری و همیاری با آنانرا می پیماید.

٤- *والایی اهداف انسانی:* هرچه این اهداف والاتر باشد و از سطح هدفهای حیوانی و مبتذل فراتر رود و به مراحل عالی و متناسب با هدفهای آفرینش انسان و مسیر تکاملی وی ارتقا یابد، احساس لزوم همکاری و همیاری برای تحقق چنان هدفهای والایی، بیشتر و عمیقتر می گردد.

٥- *تحکیم جنبه های عاطفی:* زیرا وقتی عواطف تقویت شوند و نگاه به دیگران به سطح برادری به مفهوم نسبی اجتماعی، دینی، منطقه ای و جهانی ارتقا یابد نه تنها به همکاری و همیاری می انجامد بلکه در موارد بسیاری به ایثار و فداکاری نیز، منجر می شود.

بدین ترتیب می بینیم تمامی ارزش هایی که به همکاری و همیاری می انجامد دارای خاستگاههایی فطری اند و بنابراین کوشش در جهت جلا بخشیدن به فطرت انسان و تجلی آن در رفتارهای انسانی، ساده ترین و مطمئن ترین راه تحقق آن بشمار می رود.

خاستگاههای همیاری و تعاون:

با توجه به آنچه گفته شد، می توان برای همیاری، خاستگاههای زیر را برشمرد:

الف: خاستگاههای دینی: **که به گمان ما کلی ترین خاستگاه به شمار می رود زیرا همه ادیان و بویژه دین اسلام ـ آنچنان که روشن است و ما اشاره گذرایی بدان خواهیم داشت ـ به همکاری و تعاون فرا می خوانند و نوید پاداش اخروی فراوان و در عین حال انعکاس آن بر زندگی دنیایی، می دهند; خود اسلام نیز، ایده عدالت اجتماعی خود را بر دو نکته یعنی: همیاری و تعادل میان سطح زندگی افراد جامعه ـ که هر دو به همکاری و تعاون می انجامند ـ استوار کرده است. و این بدین معناست که همکاری و تعاون یا جنبه الزامی دارد و یا داوطلبانه است و در این صورت عاری از هرگونه شایبه منافع فردی است و لذا انگیزه های دینی را کلی ترین انگیزه، برشمرده ایم.**

ب: خاستگاههای معنوی: **مبتنی بر احساسات انسانی مبنی بر لزوم خدمت به بشریت و همکاری با دیگران که حتی اگر منشاء مذهبی نیز نداشته باشد، احساسات پاك و قابل ستایشی است هرچند در این صورت به اهداف بزرگ خود نایل نخواهد شد.**

ج ـ *خاستگاههای مصلحت آمیز:* به این اعتبار که اقدام به همکاری با دیگران سرانجام، روزی به سود اقدام کنندگان تمام خواهد شد که البته ایرادی هم ندارد ولی باید گفت چنین انگیزه ای، بیانگر وارستگی اخلاقی نیست و نسبت به دو خاستگاه پیش گفته، در سطح پایین تر و تنگ نظرانه تری قرار داد.

د ـ *انگیزه های پست:* که در برخی سازمانهای مشکوك و نیز کشورهای استعماری که از برنامه های همکاری برای تحقق اهداف خود از جمله وابسته کردن کشورهای کوچك یا زمینه چینی برای استثمار آنها و یا کوشش در راستای آسیب رساندن به هویت فرهنگی آنها سوء استفاده می کنند، می توان مشاهده کرد.

واقعیت آنست که چنین همکاری و تعاونی ـ با انگیزه های پست ـ خطر جد بنا به چارچوب و شکل انسانی آن که توده های مردم ناآگاه و ناآشنا به عمق توطئه های نهفته در چنین چارچوبی را می فریبد، بسیار خطرناك است. آنها هنگامی با پیامدهای تلخ چنین همکاری هایی آشنا می شوند که در غل و زنجیر استعمار گرفتار آمده و زیر فشار بدهی های کمرشکن، شاخه خم کرده اند و در آنصورت آرزو می کنند ای کاش بدبختی ها و سختی های زندگی را تحمل می کردند و هرگز باصطلاح چنین کمکهایی را نمی پذیرفتند.

موانع همکاری و همیاری:

با توجه به آنچه بیان شد، موانع راه نیز روشن گردید که مهمترین آنها، دو مانع زیر است:

۱- رواج روحیه ماده گرایی، دیدگاههای فردی و ادبیات استثمار و طمعورزی و لذت پرستی هرچه بیشتر و تحقق برتری به هر وسیله و قیمت حتی به بهای لگدمال ساختن دستاوردهای دیگران و مکیدن خود ملّت ها و چپاول و غارت نعمت های خدادادی آنها، چیزی که امروزه در خصوص بسیاری از امکانات و توانایی های کشورهای استعماری که عظمت و شکوه کنونی خود را بر دریایی از خون ملتها بنا کرده اند، شاهد هستیم.

امروزه، جهانی سازی نمود کامل مرحله پیشرفته سرمایه داری و روند چیرگی آمریکا بر سرنوشت ملتها و آمریکایی ساختن روابط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و حتی اجتماعی و سرقت متمدنانه امید بشریت به نظامی جهانی سرشار از آزادی و دموکراسی و حمایت از حقوق بشر و صلح و همیاری و همکاری و همبستگی و در واقع، تبدیل آن به جهانی با حاکمیّت شرکتهای چند ملیتی و سلطه حقیقی غولهای اختاپوس گونه رسانه ای و ایجاد فضای زهرآگینی که جز مفاهیم خرابکارانه ای چون جنگهای پیشگیرانه و ... در آن راهی ندارد.

۲- وجود تردید در مقاصد هر طرف که در واقع مانع اصلی در برابر هر نوع همکاری و حتی گفتگوی هدفمند است و بدون تردید تأثیر منفی بسزایی بر گفتگوی تمدنها و گفتگوی ادیان و گفتگوی مذاهب یك دین نیز بر جای گذارده است.

این شك و تردیدها، معمولا تابعی از رسوبات تاریخی و تجربیات تلخ گذشته است و پاك کردن این گذشته یا به فراموشی سپردن مرحله ای آنها نیز به تلاش و کوشش های مجدانه ای نیاز دارد. و اشاره آیه کریمه: «قل لا تسئلون علما اجرمنا و لا نسئل عما تعملون» (سوره سبأ ـ ۲۵) (بگو: شما از آنچه ما مرتکب شده ایم بازخواست نخواهید شد و ما نیز از آنچه شما انجام می دهید بازخواست نخواهیم شد.) به همین ضرورت و به منظور آغاز روند گفتگو در فضایی مساعد و مناسب است.

اسلام و تعاون:

البته در این مختصر، نباید انتظار داشت به همه ابعاد همکاری و تعاون در اسلام بپردازیم; لذا به صورت گذرا و طی نکاتی چند تنها به برخی جنبه های مهم موضوع اشاره می کنیم:

نکته یکم: مشخص ساختن عرصه های همکاری:

دومین آیه از سوره مائده دقیقاً به همین عرصه ها می پردازد: «و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» (سوره مائده ـ ۲) (و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدّی دستیار هم نشوید.)، نیکی به مفهوم هر عرصه انسانی و اخلاقی است و شامل همه کارهای خیر و خوبی می شود که اسلام بدان فراخوانده و تحقق آنها را خواستار شده است; این تعبیر، بیشتر گویای واگذاری تشخیص مصداقهای آن به وجدان سلیم درست همانگونه که از دو کلمه "طیبات" و "خبائث" در آیه: «یحلّ لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث» (سوره اعراف ـ ۱۵۷) (و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاك را برایشان حرام می گرداند.) و نیز کلمات "المعروف" و "المنکر" در آیه: «کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» (سوره آل عمران ـ ۱۱۰) (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید: به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید.) برداشت می شود. چنانست که این آیات قرآنی، مستقیماً فطرت و وجدان آدمی را مورد خطاب قرار می دهند و این نکته ما را با گستره ای انسانی ـ جهانی مواجه می کند و در یك عرصه تنگ و محدود، منحصر نمی سازد. از یك سو، هرگامی که در آن اعتلای بشریت و پیشرفت تمدن و ارزش های آن در همه عرصه های علمی،

فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جز آن برداشته شود، در شمار کار نیك ("البرّ") است و ما موظّف به همکاری در آن هستیم و از سوی دیگر، هر اقدامی که به زیان بشریت باشد و به ارزش های آن لطمه وارد آورد و مسیر آنرا خدشه دار سازد و به دشمنی و خصومت ها دامن زند و حقوق انسانی را زیر پا گذارد در شمار کارهای ناپسند ("منکر") است و ما از شرکت در آنها منع گشته و به ایستادگی و مقاومت در برابر آنها، فراخوانده شده ایم.

همین معناست که در هماهنگی کامل با رسالت جهانی اسلام و نیز همسو با ارایه امت اسلام به عنوان الگویی نمونه برای همه امت ها و مصداق آیه زیر، قرار دارد: «و کذلك جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً» (سوره بقره ـ ۱۴۳) (و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.)

نکته دوم: تحکیم و تقویت انگیزه ها:

می دانیم که متون اسلامی، همواره بر فطرت انسانی انگشت می گذارند و همه احکام دینی در هماهنگی با این فطرت، قرار دارند; نظام تربیتی و عبادی و دیگر نظامات *[مربوط به زندگی بشری در اسلام]* بر این جنبه تأکید دارند و در راستای تقویت آن تلاش می کنند; همچنین توجه داریم که نظام معرفتی نیز جملگی بر بدیهیات فطری استوار گشته و نظام تشریع هم در جهت ایجاد تعادل و برقراری عدالت در تحقق نیازهای فطرت، حرکت کرده و در نظام اخلاقی اسلام، به صورت بسیار باشکوهی، تجلی پیدا می کند و اینها همه، به تقویت انگیزه های فطری همکاری و همیاری در گسترده ترین عرصه ها می انجامد. به رغم اینکه برای کار نیك، انگیزه ایمانی شرط شده است، متونی وجود دارد که نفس این عمل یعنی کار نیك را هرچند با انگیزه های ایمانی صورت نگرفته

باشد، مورد ستایش قرار می دهند از جمله آیه: «انا لا نضیع اجر من احسن عملا» (سوره کهف ـ ۳۰) (ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است، تباه نمی کنیم.) و آیه: «اني لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی» (سوره آل عمران ـ ۱۹۵) (من عمل هیچ صاحب عملی از شما را ـ از مرد یا زن ـ تباه نمی کنم.) اسلام حتی جنبه مصلحت آمیز این نوع کارها را بدون توجه نمی گذارد: «ولیخش الذین لوترکوا من خلفهم ذریة ضعافاً خافوا علیهم» (سوره نساء ـ ۹) (و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود برجای بگذارند بر آینده آنان بیم دارند باید از ستم بر یتیمان مردم نیز بترسند.)

یا این سخن پیامبر (ص) که فرمود: «کسی که رحم نمی کند، رحم نمی شود.»[۱] و: «رحم کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.»[۲]

نکته سوم: فراهم آمدن شرایط لازم

هنگامی که به چگونگی برنامه ریزی های اسلام برای زندگی توجه کنیم درمی یابیم که تمام تلاش اسلام، ارتقای امت در همه جنبه هاست تا این امت، با شکر نعمت های الهی و استفاده از هر آنچه که خداوند برای این امت مهیّا و فراهم آورده است و خودداری از هرگونه سهل انگاری و کفران این نعمت ها و یا ستم کاری در روند توسعه و توزیع عادلانه در همه عرصه ها، دست بالا را داشته باشد و شایستگی عنوان بهترین امت ها را بیابد و از همه توانایی ها و امکانات خود در عرصه های چالش بهره گیرد و دارای قدرت سترگ اقتصادی باشد: «و اتاکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الانسان لظلوم کفّار» (سوره ابراهیم ـ ۳٤) (و از هرچه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت خدا را شماره کنید نمی توانید آنرا به شمار درآورید، قطعاً انسان ستم پیشه ناسپاس

۱- بخاری، ابوداوود، ترمذی و احمد آنرا روایت کرده اند.

۲- "احمد" آنرا روایت کرده است.

است.) همچنانکه اسلام هرگونه کوتاهی و شانه خالی کردن در برابر سوق امت به پیشرفت در همه سطوح را، اخلال در واجبات کفایی قلمداد کرده که با انجام آن از سوی شمار معینی از مسلمانان، از عهده دیگران ساقط می شود و در غیر اینصورت، همه امت سزاوار نکوهش و سرزنش و هشدارباش است.

امتِ نمونه هرگز نمی تواند متصّف به ضعف باشد بلکه باید امتی میانه با تمام مفاهیم دهش و بخشندگی بمنظور امکان تأثیرگذاری مورد نظر، باشد.

از سوی دیگر آموزه های اسلامی و بویژه تربیت اسلامی، پیش از هر چیز در راستای گسترش اعتماد میان افراد جامعه اسلامی و اجتناب از هرگونه شك و تردید و تهمت و تجسس و غیبت و اتهام و سعایت و خدشه وارد آوردن به این اعتماد، عمل می کنند و بدان فرامی خوانند که عمل مسلمانان خوشبینانه حمل بر صحّت شود و ارتباط با دیگران، همکاری و ایثار و ایفای حقوق آنان، سرلوحه قرار گیرد.

در سطح بین المللی نیز امت اسلامی، در برخورد با دیگران حتی اگر در شمار مؤمنان نباشند، در کمال احترام و رعایت حقوق برخورد می کند: «و اِنّا و ایاکم لعلی هدی او في ضلال مبین * قل لا تسئلون عما اجرمنا و لا نسئل عما تعملون» (سوره سبأ ـ ٢٤ و ٢٥) (و در حقیقت یا ما، یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم * بگو شما از آنچه ما مرتکب شده ایم بازخواست نخواهید شد و ما نیز از آنچه شما انجام می دهید بازخواست نخواهیم شد.) و امت در صورتی که دیگران تن به صلح دهند، بدان تن خواهد داد: «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله» (سوره انفال ـ ٦١) (و اگر به صلح گراییدند تو نیز بدان گرای و بر خدا توکّل نما.) مانعی نیز وجود ندارد با دیگران ـ مادام که اقدام توطئه آمیزی از سوی آنان دیده نشده است ـ روابط دوستانه و مودت آمیزی برقرار گردد: «لاینهاکم

الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين و لم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم و تقسطوا اليهم» (سوره ممتحنه ـ ۸) (خدا شما را از کسانی که در کار دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند، بازنمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید.) برقراری عدالت و رعایت قسط، هر دو از اهداف این امت و دفاع از مستضعفین و محرومین و از هر آنچه که به اشاعه اعتماد و فراهم آوردن فضای همکاری و حسن نیّت در سطح بین المللی می انجامد، از صفات آن بشمار می رود و بنابراین چنانچه موافقتنامه ای بین المللی به امضا رسید، این امت موظف است که کاملا و به مصداق وفای به عهد، بدان پای بند باشد.

به علاوه، این امت به کشف عرصه های مشترك از طریق گفتگوی آرام حتی با کافران، پرورانده شده و از اهل کتاب نیز خواسته شده تا در موارد مشترك [پرستش خدای یگانه]، دست همکاری و یاری به مسلمانان دهند: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم ان لا نعبد الاّ الله و لا نشرك به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً اربابا من دون الله» (سوره آل عمران ـ ٦٤) (بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریك او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا، به خدایی نگیرد).

و بدین ترتیب می بینیم که اسلام، شرایط پیش گفته را به بهترین شکلی، فراهم آورده است.

نکته چهارم: فرهنگ سازی

بدین ترتیب، می توان گفت اسلام، فرهنگ ارزش های همسو با تعاون و همکاری را بشکل گسترده ای، منتشر ساخته و بنیادهای نظری جامعی برای گفتگویی که فرضیات، شیوه ها، اخلاق و اهداف مشخص و روشنی دارد، در نظر گرفته و بهترین و عام ترین ویژگی را برای مؤمنان در نظر

گرفته و آنانرا به «امرهم شوری بینهم» (سوره شوری ـ ۳۸) توصیف کرده است و اصل خدمت به یکدیگر را در میان آنان مقرّر داشته: «و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضاً سخریاً» (سوره زخرف ـ ۳۲) (و برخی از آنان را از نظر درجات بالاتر از بعضی دیگر قرار داده ایم تا بعضی از آنها بعضی دیگر را در خدمت گیرند.) و برای بشریت خط واحدی را ترسیم کرده که از پدر و مادر واحدی سرچشمه گرفته و با هدایت الهی و با رهبری پیامبران و صالحان در راستای آبادانی زمین و جانشینی خدا بر روی آن و با تلاش و کوشش سخت به سوی تکامل، گام برمی دارد: «یا ایها الانسان انك كادح الی ربك كدحاً فملاقیه» (سوره انشقاق ـ ٦) (ای انسان، حقّا که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.) و در جهت نیل به جامعه پرهیزگار و عابد، حرکت می کند: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم في الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمِکّنن لهم دینهم الذي ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدونني لا یشرکون بي شیئاً» (سوره النور ـ ٥٥) (خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنانرا در این سرزمین جانشین خود قرار دهد، همانگونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریك نگردانند.) این راه، مسیر یگانه ای است که همگان وحدت آنرا احساس می کنند و هر یك می کوشد تا آنرا با تمامی عناصر پیشرفت و تکامل، مورد حمایت قرار دهد; مفهوم برادری دینی و برادری انسانی نیز از همین جا، مایه گرفته است. حضرت علی علیه السلام در پیمان نامه ای که به "مالك اشتر" ـ کارگزار خود در مصر ـ می نویسد و برجسته ترین سند تاریخی بشمار می رود، می فرماید: «پیوسته قلبت را از مهر رعیت آکنده و با لطف و محبت ورزیدن به آنان مالامال کن. زنهار نسبت به مردم همچون

جانوران درنده ای که برای خوردنشان دنبال فرصت می گردند، مباش، چه آنان بر دو دسته اند: یا برادر دینی ات بشمار می روند و یا اینکه در آفرینش همنوع تو هستند.) (از نامه شماره ۵۳ نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام)

در اینجا باید مجدداً خاطرنشان ساخت که اسلام بر مسئله فطرت و ضرورت تجلی بخشیدن به آن در رفتارهای انسانی، انگشت می گذارد.

نکته پنجم: برطرف ساختن موانع

نیازی به توضیح بیشتر درخصوص نقش اسلام در روند دور ساختن انسانها از ماده گرایی رفتاری در پی برنامه ریزی برای دورسازی آنان از ماده گرایی عقیدتی، و نیز دورسازی آنان از دیدگاههای تنگ و آزمندانه و حرص و آز و نفرت و از آنجا دورسازی آنان از هر آنچه که مانعی در راه همکاری و همبستگی بشمار می رود، نمی بینیم. جهانشمولی اسلام درست نقطه مقابل جهانی شدن است و در عین حال شامل هیچ یك از جنبه های منفی آن نمی شود و سعی دارد شور و شوق بشریت برای نیل به جهان نو و سرشار از عدالت و داد را در سایه همکاری و همیاری های سازنده، به گونه متعادلی سیراب سازد.

پیش از این درباره کوشش اسلام برای نفی شك و تردید در نیّت افراد تا حد ممکن و گسترش اعتماد و عشق و محبت عمومی برای فراهم آوردن فضایی مهربانانه و همیارانه، سخن به میان آوردیم.

نکته ششم: دانش روابط بین المللی

دانش روابط بین المللی بر عناصر بسیاری انگشت گذارده که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف ـ اصول گرایی و پای بندی به اخلاق در برخوردها.

ب ـ عنصر آگاه سازی و شفافیّت و صراحت در پیمانهای بین المللی و نفی هر گونه ابهام، فریب و ستم کاری و ستمدیدگی.

ج ـ الفت دلها و تحقق هماوایی و همدلی.

د ـ احترام به پیمانها و قراردادها.

هـ ـ معامله به مثل مثبت یا منفی با ترجیح جنبه های بخشش و بزرگواری و تسامح، که همگی در کمك به تحقق همکاری ها و همیاری های بین المللی و بطریق اولی منطقه ای ـ به دلیل مفهوم گسترش پاینده همسایگی و همجواری کشورها که آنها را همسایه یکدیگر ساخته و همسایگی نیز دارای حقوق مسلّمی است ـ قرار دارند.

و سرانجام اینکه:

برآنیم که امت اسلام باید، الگویی برای همکاری و همیاری باشد مشروط بر آنکه هشیار باشد و زیانی متوجه خود نگرداند; وقتی خداوند متعال این امت را به قرار گرفتن در کنار حق و خیر فرامی خواند مسلماً در صورت توطئه دشمنان یا خیانت آنان، یاوری های خود به او را تضمین می کند.

خداوند متعال می فرماید: «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السمیع العلیم * و ان یریدوا ان یخدعوك فان حسبك الله هو الذي ایدك بنصره و بالمؤمنین * و الّف بین قلوبهم لو انفقت

ما في الارض جميعاً ما الفت بين قلوبهم و لكن الله الّف بينهم انه عزيزٌ حكيم.» (سوره انفال - ٦٣-٦١) (و اگر به صلح گراييدند تو نيز بدان گراى و بر خدا توكل نما كه او شنواى داناست * و اگر بخواهند تو را بفريبند يارى خدا براى تو بس است. همو بود كه تو را با يارى خود و مؤمنان نيرومند گردانيد * و ميان دلهايشان الفت انداخت كه اگر آنچه در روى زمين است همه را خرج مى كردى نمى توانستى ميان دلهايشان الفت برقرار كنى ولى خدا بود كه ميان آنان الفت انداخت چرا كه او توانـاى حكيم است.)